

حق حیوان، خطای انسان

درآمدی به فلسفه اخلاق

تام ریگان

ترجمه
بهنام خداپناه



نشر کردن

فهرست

۱	-----	قدردانی‌ها
۳	-----	پیش‌گفتار
۹	-----	۱. از بی‌تفاوتی تا حمایت
۱۳	-----	گام‌های آغازین
۱۷	-----	سازگاری گسترده‌تر
۱۹	-----	نگاهی به پیش
۲۳	-----	۲. بهره‌کشی از حیوانات
۲۳	-----	حیوانات به منزلهٔ خوراک
۲۸	-----	دامداری صنعتی
۳۰	-----	حیوانات به منزلهٔ پوشاک
۳۲	-----	کارخانهٔ خز را با خز بیوشانید
۳۴	-----	دام‌افکنی
۳۸	-----	حیوانات به منزلهٔ ابزار
۴۱	-----	LD ₅₀

۳. ماهیت و اهمیت حقوق ----- ۴۷

حقوق سلبی و ایجابی ----- ۴۸

نقض حقوق اخلاقی سلبی: یک مثال ----- ۴۸

نقض حقوق اخلاقی ایجابی: یک مثال ----- ۴۹

یکپارچگی اخلاقی: منطقه ممنوع ----- ۵۱

وزانت اخلاقی: سر بودن ----- ۵۳

شأن اخلاقی: برابری ----- ۵۴

مطالبات اخلاقی: عدالت ----- ۵۴

حقوق اخلاقی: مطالبات معتبر ----- ۵۶

وحدت اخلاقی: احترام ----- ۵۷

حقوق حیوانات؟ ----- ۵۸

۴. دیدگاه‌های قائل به وظیفه غیرمستقیم ----- ۶۱

دو نوع منفعت ----- ۶۴

دکارت‌گرایی در گذشته و حال ----- ۶۶

علم و اذهان حیوانی ----- ۶۹

قراردادباوری ساده ----- ۷۵

ارزیابی قراردادباوری ساده ----- ۷۸

قراردادباوری رالزی ----- ۸۲

ارزیابی قراردادباوری رالزی ----- ۸۵

گونه‌پرستی ----- ۹۱

۵. دیدگاه‌های قائل به وظیفه مستقیم ----- ۹۷

دیدگاه بی‌رحمی-مهربانی ----- ۹۷

ارزیابی بی‌رحمی-مهربانی ----- ۱۰۲

فایده‌باوری ----- ۱۰۷

نقاط قوت فایده‌باوری ----- ۱۰۹

ارزش‌های فایده‌باورانه ----- ۱۱۰

ارزیابی فایده‌باوری ترجیحی ----- ۱۱۲

فایده‌باوری و رفتار با حیوانات ----- ۱۱۸

۶. حقوق انسان‌ها ----- ۱۲۵

مفهوم‌سازی دوباره ارزش‌ها ----- ۱۲۵

مطالعه سیفیلیس در تاسکیگی ----- ۱۲۷

وظیفه احترام ----- ۱۲۹

نخبه‌سالاری اخلاقی ----- ۱۳۳

حقوق اخلاقی ----- ۱۳۵

انسان‌ها چه حقوقی دارند؟ ----- ۱۳۷

اشخاص ----- ۱۴۱

فاقدان شخص‌بودگی و وظیفه احترام ----- ۱۴۳

کودکان ویلوبروک ----- ۱۴۴

مُدِرک‌های حیات ----- ۱۴۶

اشکال‌ها به دیدگاه حقوق ----- ۱۵۲

قوت‌های دیدگاه حقوق ----- ۱۵۹

۷. حقوق حیوانات ----- ۱۶۵

پرسش‌های ناظر به واقع ----- ۱۶۶

پرسش‌های ناظر به ارزش ----- ۱۶۸

پرسش‌های ناظر به منطق ----- ۱۷۱

پرسش‌های عملی ----- ۱۷۴

۸. اشکال‌ها و پاسخ‌ها ----- ۱۷۹

اشکال‌های عمومی ----- ۱۷۹

اشکال‌های دینی ----- ۱۸۷

۱۹۴	اشکال‌های فلسفی
۲۰۳	نتیجه
۲۰۵	۹. فلسفه اخلاق و تغییر
۲۰۸	رفع ناسازگاری‌ها
۲۱۰	تغییر
۲۱۳	زمینه‌های امید
۲۱۷	یادداشت‌ها
۲۳۵	درباره نویسنده

از بی تفاوتی تا حمایت

من حامی حقوق حیوانات^۱، و فعال در جنبش حقوق حیوانات هستم. این جنبش، بدان نحو که من آن را می‌فهمم، سوداهایی براندازانه^۲ در سر دارد. این جنبش در پی اصلاح نحوه بهره‌کشی از حیوانات، یعنی انسانی‌تر ساختن آنچه ما نسبت به آنها صورت می‌دهیم، نیست، بلکه در پی پایان دادن به بهره‌کشی از آنهاست، چنان‌که به شکلی کامل بدان خاتمه دهد.^۳ اهداف این جنبش، به نحوی مشخص‌تر عبارت‌اند از:

- پایان کامل پرورش تجاری حیوانات
- پایان کامل صنعت خز^۴
- پایان کامل استفاده از حیوانات در علم.

نسبت به این مطلب کاملاً آگاه هستم که برخی مردم این اهداف براندازانه را رادیکال یا حتی افراطی می‌دانند. اگر به خاطر رویدادهای خاص و تأثیر

1. animal rights

2. abolitionist

۳. هرچند بارها از کاربرد متداول حیوان برای اشاره به حیوانات غیر انسان استفاده می‌کنم، باید یادآور شوم که ما انسان‌ها حیوان‌ایم.

4. fur industry

به موقع افرادی گوناگون در گذشته بر من نبود، این مطلب احتمالاً در مورد من هم صادق بود. می‌خواهم درباره سفر خود چیزی بگویم، نه به این خاطر که این سفر خیلی غیرمعمول است (که نیست)، بلکه به این خاطر که با پرسش‌هایی که در فصل پایانی مطرح خواهم کرد مرتبط است.

من در نزدیکی شهر پیتسبورگ، در پنسیلوانیا، در طبقه‌ای کارگر زاده شدم و پرورش یافتم. تحصیلات امری تجملی بود که سالخوردگانی که در آنجا زندگی می‌کردند نمی‌توانستند از عهده مخارجش برآیند. زمانی که والدین من چهارده سال داشتند، مجبور بودند مدرسه را ترک کنند و همراه برادران و خواهرانشان برای کمک به خانواده‌هایشان به منظور کسب درآمدی در سطح بخور و نمیر به آنها بپیوندند. کمی بعد، پس از آنکه والدین من با یکدیگر ازدواج کردند، کشور در رکود اقتصادی^۱ فرو رفت. کار کمیاب بود؛ دستمزدها ناچیز. آنها با امساک و صرفه‌جویی زنده ماندند. این دوره فوق‌العاده سخت کمک کرد شخصیت والدین من شکل بگیرد. پنجاه سال بعد از اینکه پدر من کار ثابتی برای خود دست و پا کرد، والدین من همچنان طوری زندگی می‌کردند که انگار رکود اقتصادی بخشی از واقعیت زندگی روزانه آنهاست.

در حالی که خرید اقلام ارزان قیمت خواسته مشترکشان بود، خوراک چیزی بود که در آن زمینه به خود اجازه دست و دلبازی می‌دادند. پدر من مفتخر بود که تأمین‌کننده خانواده‌مان باشد، و شیوه ملموسی که موفقیت خود را در این زمینه با آن می‌سنجید خوراکی بود که روی میز غذایمان می‌گذاشت. از نظر او - و از نظر مادرم نیز - گوشت چیزی بیش از آن بود که می‌خوردیم؛ گوشت نمادی از موفقیت بود. توانایی خوردن غذایی که در خلال دوره رکود اقتصادی مردم فقیر نمی‌توانستند از عهده آن برآیند به معنای آن بود که والدین من در رؤیای امریکایی زندگی می‌کردند. گوشت به ماده اصلی

۱. the Depression؛ رکود اقتصادی بزرگ که در دهه ۱۹۳۰ در ایالات متحد رخ داد. - م.

بیشتر آنچه می‌خوردم تبدیل شده بود: بیکن یا ژامبون در صبحانه روزهای یکشنبه؛ سوسیس سالامی، بولونیا و دیگر ساندویچ‌های گوشتی برای وعده ناهار بیشتر روزها؛ آبگوشت دنده خوک، مرغ و حتی گاهی ران بره برای وعده شامگاهی؛ و بوقلمونی درشت و تنومند برای جشن عید شکرگزاری^۱.

در خصوص من، پرسش‌ها درباره اخلاق خورد و خوراک نه تنها پاسخی نمی‌یافتند، حتی طرح هم نمی‌شدند. من خوراکم را مشتاقانه از آبشخور سنت می‌یافتم. زمانی که برای برآمدن از پس شهریه‌های دانشگاه نیاز به منبع درآمدی داشتم، به‌هیچ‌وجه از لحاظ اخلاقی از کار کردن در یک قصابی احساس ناراحتی نمی‌کردم. در آن روزها کار در قصابی برای من نه کار کردن در جایی خونین، که صرفاً کاری نکبت‌بار و سخت بود.

مُد^۲ - شیک بودن به باکلاس‌ترین شکل - هرگز مدنظر من نبوده است، نیست و نخواهد بود. نه اینکه کاملاً نسبت به سر و وضع خود بی‌تفاوت باشم. طی سالیان گذشته هر چیزی، از شلوارهای پاپچه‌بسته تا شلوارهای پاپچه‌گشاد، از یقه‌های مدل مستر بی^۳ تا یقه‌های دکمه‌ای، از کفش‌های مجلسی تا کتانی‌های مدل کالج را چون «مُد بودند» پوشیده‌ام. اما با صنعت مُد هرگز میانه‌ای نداشته‌ام و ندارم. از این رو، همان‌گونه که می‌توان انتظار داشت، در خصوص موضوع خز، جز در معدود مواقعی، هیچ خریدی از این فراورده‌ها نداشته‌ام.

در مورد این استثناها هم من بیشتر شاهد بودم نه عامل. پیتسبورگ زمستان‌های سردی دارد. برای برخی زنان سالخورده آشنا، هوای سرد به معنای هوای بر تن کردن خز است. دو تن از عمه‌های من خیلی نمی‌توانستند منتظر بمانند تا ردهای پوست روباه خود را بر تن کنند، و برخی زنانی که در کلیسای من حضور می‌یافتند مشتاق آن بودند که با به رخ کشیدن

1. Thanksgiving
2. fashion
3. Mr. B